

این اصل خانه فرهنگ صحنه آفرینش یا عرصه آفرینش‌های هنری است، اما نه هرگونه آفرینشی، بلکه آفرینش‌های نوعی و نمونه‌وار.

پس چندگونگی یا تنوع فعالیت‌های هنری و فرهنگی و شرکت دادن هرچه بیشتر مردم در این گونه فعالیتها، منشور خانه‌های فرهنگ است؛ و خانه فرهنگ به موجب این منشور باید جهات و مظاهر مختلف فرهنگ امروزین و درحال تکوین، چنانکه میراث فرهنگی را نیز، معرفی کند و بشناساند و از این رو عهده‌دار فراهم آوردن امکانات دستیابی مردم به فرهنگ، تسهیل آشنایی مردم با میراث فرهنگی و نیز فرهنگ امروزین یا فرهنگ درحال تکوین و پیدایش، تسهیل ملاقات و برخورد و گفتگو میان آفرینندگان، کشف قوای خلاقه مردم برخورد آنان و برهنرمندان حرفه‌ای است.

ژاک دو هامل، وزیر پیشین فرهنگ فرانسه، گفته است: نقش خانه‌های فرهنگ اینست که سرمشق

چندی است که سخن از ایجاد خانه‌های فرهنگ در شهرهای ایران می‌رود و قرار است وزارت فرهنگ و هنر در چارچوب برنامه پنجم عمرانی کشور نخستین خانه فرهنگ شهری را در تبریز تأسیس کند. خانه فرهنگ سازی، نحوه اداره و مسائل و مشکلات آن در فرانسه داستانی دراز دارد. مسئولان فرهنگی فرانسه گفته‌اند: خانه فرهنگ جایی است که در آن انواع و اقسام گوناگون فعالیت‌ها یا مظاهر فرهنگی گذشته و حال در عالی‌ترین سطح به بیشترین مردم بدون هیچگونه تبعیض عرضه شود، و بر این اساس خانه فرهنگ جای ملاقات و برخورد و گفتگو است. به بیانی دیگر دو اصل اساسی خانه‌های فرهنگ عبارتند از: نخست چندگونگی فعالیت‌های آنها، البته به صورتی تلفیقی و تألیف یافته و هماهنگ نه چیده شده در کنار هم، و دو دیگر کیفیت یا سطح عالی فعالیت فرهنگی آنها که هرگونه آماتوریزم (amateurisme) را نفی و طرد می‌کند. به موجب

جلال ستاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



طرح از بهر کبیر



و مرجع باشند و مورد استناد قرار گیرند. از این رو فعالیت‌های فرهنگی و هنری آنها باید دارای سطح و کیفیتی عالی باشد و در نتیجه تنها هنرمندان حرفه‌ای باید مجری برنامه‌ها باشند. این است فرق عبده خانه‌های فرهنگ با خانه‌های جوانان. در حالی که این گونه مؤسسات اخیر مرجع و سرمشق (Point de référence) نیستند، خانه‌های فرهنگ باید انواع عالی برنامه‌های هنری را بدانگونه که نمونه و سرمشق قرار گیرد اجرا کنند.

حاصل سخن این که خانه فرهنگ در فرانسه هم فراهم آورنده امکانات آفرینش هنری در سطحی عالی است و هم موجب گسترش هنر و فرهنگ، اما کمتر وسیله آموزش به معنای اخص کلمه است.

در ایران البته خانه فرهنگ شهر (به معنای مرکزی فرهنگی) ازین جنبه آموزش اختصاصی غافل نمی‌تواند ماند و علاوه بر آن معلوم نیست امکانات و موجبات اجرای برنامه‌های هنری در سطح بسیار

عالی، همیشه فراهم و آماده باشد؛ بنابراین خانه‌های فرهنگ شهری در ایران صحنه و پهنه عرصه برنامه‌های هنری گزوه‌های غیر حرفه‌ای نیز می‌توانند بود.

به‌طور کلی می‌توان گفت که خانه فرهنگ در ایران ممکن است برای آموزش عامه مردم در زمینه هنر و فراهم آوردن امکانات اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری، به منظور تشویق و تقویت استعداد و قریحه کودکان و نوجوانان و جوانان و نیز ایجاد زمینه‌ای مناسب برای گذران اوقات فراغت، به‌نحو مطلوب به‌وجود آید. کودکان و جوانان باید بتوانند در خانه فرهنگ در زمینه‌های مختلف هنری و ادبی تعلیم بگیرند. ازین لحاظ خانه فرهنگ تا اندازه‌ای جبران کمبود آموزش هنری وزارت آموزش و پرورش را خواهد کرد. به منظور تشویق افراد مستعد و علاقه‌مند به تولید و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های هنری، خانه فرهنگ باید تسهیلات مورد نیاز از قبیل وسایل سمعی و بصری، عکاسی،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش
ساز
در
ایجاد
خانه‌های
فرهنگ

فیلمبرداری ، و نیز تجهیزات مربوط به اجزای برنامه‌های تئاتر و موسیقی را فراهم بیاورد .

باری از این نکته که درخور بحث و مذاقه بیشتری است می‌گذریم و بر سر موضوع اصلی سخن خود می‌شویم . در فرانسه معمولاً در هر خانه فرهنگ یک شکل یا یا یک نوع آفرینش هنری که غالباً تئاتر است اساس کار قرار می‌گیرد یا به عنوان پایه فعالیت برگزیده می‌شود . مسئولان خانه‌های فرهنگ نیز از میان هنرمندان هنر نمایشی انتخاب شده‌اند ، یعنی در حال حاضر دوسوم آنان ، مدیران مراکز و مؤسسات نمایشی یا گروه‌های دائمی تئاتراند . البته هنرهای دیگر از قبیل رقص ، هنرهای تجسمی و جز آن نیز می‌توانند به عنوان پایه یا بهتر بگوئیم محور فعالیت‌های خانه فرهنگ انتخاب شوند ، اما تئاتر مرجح است چون برای بیشترین مردم بهترین و کامل‌ترین راه و نحوه شرکت جمعی در فعالیت‌های فرهنگی است . در واقع هنر نمایشی امکان انجام فعالیت فرهنگی به صورتی کلی و جامع را فراهم می‌آورد زیرا در نمایش تئاتر از همه نحوه‌های بیان منجمله زبان استفاده می‌شود و این اعتبار خاص و مزیت عظیم هنر نمایشی است که دیگر هنرها بدان پایه و مایه ندارند . از این رو در فرانسه پیش از ایجاد یک خانه فرهنگ ، فعالیتی به منظور آینده نگری (Préfiguration) تقریباً همیشه توسط یک گروه تئاتر انجام می‌گیرد . این گروه را گروه Animation می‌نامند زیرا تئاتر وسیله مطلوب کارگزاری فرهنگی است ، کار چنین گروهی گاه دو سال طول می‌کشد . طی این مدت افراد گروه در تالار یا محلی موقت نخست برنامه‌های نمایش تئاتر به روی صحنه می‌آورند و کم‌کم فعالیت‌های فرهنگی خود را متنوع ساخته برنامه‌های گونه‌گون فرهنگی عرضه می‌دارند ، درباره استفاده کنندگان احتمالی (بالتوجه) از خانه فرهنگ آتی آگاهی‌هایی به دست می‌آورند ، با انجمن‌ها ، اتحادیه‌ها و گروه‌ها و انجمن‌های مختلف فرهنگی و هنری و غیره ارتباط

برقرار می‌کنند ، به بررسی درباره منابع فرهنگی منطقه می‌پردازند و مسائل و مشکلاتی را که باید حل کرد و گشود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند و غیره .

این کار بسیار مهم و دارای فواید بسیار است ، چون بیشترین مردم منطقه را از فعالیتی که امید انجام آن در آینده می‌رود آگاه می‌سازد ، آنان را نسبت به فعالیت‌های پیش‌بینی شده «حساس» می‌سازد یا موجب می‌شود که مردمان «گوش به زنگ» بمانند ، و حتی از پیش مردم منطقه را ، به طرق و نحای که کارگزاران باید بیابند ، در فعالیت‌های آتی شریک و سهمی و نسبت به خانه فرهنگ دلبسته و علاقه‌مند می‌سازد . بدینگونه خطر به وجود آمدن خانه فرهنگ در محیطی که خواستار و پذیرای آن نیست و در نتیجه درآمدن به صورت سازمانی مصنوعی از میان می‌رود . یک محقق فرانسوی کارگزار فرهنگی را روحانی یا کشیش دنیای امروز (غرب) دانسته است . در گر و نوبل کارگزاران به مدرسه ، کارخانه ، اداره ، دفتر روزنامه و غیره می‌روند ، با دانش‌آموزان ، کارگران و کارمندان به گفتگو می‌نشینند ، مسائل و مشکلات و انتقادات و ایرادات آنان را به صورت نمایشنامه‌ای درمی‌آورند و سپس با همکاری و شرکت همان افراد نمایشنامه مورد نظر را بازی می‌کنند و پس از آن با یکدیگر به بحث و گفتگوی آزاد می‌پردازند . تجربه نشان داده است که این فعالیت فرهنگی به ایجاد تغییرات و دگرگونی‌هایی در جهت بهبود وضع مدرسه ، اداره ، کارخانه انجامیده و باعث حل بسیاری مشکلات و رفع پاره‌ای اعتراضات شده است . این تئاتر را به همین اعتبار Théâtre-action نامیده‌اند .

تئاتر نظام یا دستگاهی ارتباطی به وجود می‌آورد که معادل یا نظیر آن را هیچیک از دیگر انواع بیان هنری عرضه نمی‌دارد . تئاتر هم چگونگی تسلط بر زبان یا کاربرد ماهرانه زبان را می‌آموزد و هم اجتماعی شدن و لزوم و اهمیت همکاری و تعاون اجتماعی را .

به همهٔ این جهات تئاتر بهترین وسیله و راه
برانگیختن و آموزش مردم و شرکت دادن آنان به
صورت جمعی در نقش فعالیت‌های فرهنگی و با مال
فراهم آوردن زمینهٔ مناسب جهت گسترش فعالیت‌های
فرهنگی است .

در ایران باید از تجربهٔ گروه‌های تئاتری وابسته
که به همت وزارت فرهنگ و هنر در حدود ۲۳ مرکز
استان و شهرستان به وجود آمده‌اند سود برد و
گروه‌های تئاتری را منجمده به فعالیت در زمینهٔ
کارگرایی فرهنگی نیز واداشت تا زمینه برای ایجاد
خانهٔ فرهنگ در همان نقاط فراهم آید .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع :

1 - Alberte Meister, *Animateurs et militants*, in *Esprit*, 5 Mai 1973, p. 1093.

۲ - همان مجله ، ص ۱۱۲۴ - ۱۱۴۵ .

1 - *Aspect de la politique culturelle française*, Unesco, 1970, pp. 159-160, 164, 171-2

2 - Francis Jeanson, *l'action culturelle dans la cité*, Paris, 1973, pp. 89, 93, 183-4.